

رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت! (شماره 183)

16/11/1396 الی 08/11/1396

در یکصد و هشتاد و سومین شماره از مجله هفتگی رادیو دیروز در قالب سری گزارشات «رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!»، بخشی از مهم‌ترین فعالیت‌های این رسانه صهیونیستی – آمریکایی در دومین هفته از بهمن ماه 1396 را به طور خلاصه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

رادیو دیروز گزارش می‌دهد؛

دومین هفته از بهمن ماه با ورود به دهه مبارک فجر در ایران همراه است؛ ایامی که یادآور رشادت‌ها و ایستادگی‌های بیست‌ساله آینده این سرزمین را دچار تغییر عمیق کرد و ایران را به نقطه‌ای رساند که دشمنانش باید سال‌ها حسرتش را بخورند. به همین مناسبت در این هفته شاهد تلاش‌های گسترده غرب و ابزارهای رسانه‌ای آن برای فضا سازی علیه کشورمان و ایجاد شکاف میان مردم حکومت در ایران بودیم که رسانه صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا نیز یکی از این ابزارهاست.

در همین راستا، رادیو دیروز تلاش کرده است تا با تنظیم و انتشار مجله‌ای هفتگی با عنوان «رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!» بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارش‌های این رسانه آمریکایی را به طور خلاصه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و واقعیت‌های تحریف یا پنهان شده را در اختیار مخاطبین خود قرار دهد.

بر این اساس، آن چه در ادامه مطالعه خواهید کرد، یکصد و هشتاد و سومین شماره از این مجله هفتگی رادیو دیروز است که به بررسی بخشی از فعالیت‌های رادیو فردا در طول دومین هفته از بهمن ماه سال 1396 (08 الی 16 بهمن ماه 1396) پرداخته است.

شما مخاطبین گرامی می‌توانید در یکصد و هشتاد و سومین شماره مجله هفتگی رادیو دیروز، بررسی موضوعاتی از قبیل واکنش رادیو فردا به موفقیت سپاه در مقابله با داعش، تلاش آمریکایی یک رادیوی فارسی زبان برای تأکید بر درخواست‌های ایالات متحده، حمله به حجاب با بهانه‌هایی غیر مستند، بازتاب اظهارات ضد ایرانی اعراب، اعتراف به ترس اسرائیل از قدرت مقاومت، تلاش برای ایجاد شکاف میان ملت و حکومت در ایران و ... را می‌توانید مشاهده نمایید.

موفقیتی که خار چشم رادیو فردا شده است

موفقیت‌های جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف، همواره یکی از دلایل دشمنی غرب و ابزارهای رسانه‌ای تحت امرشان با کشورمان بوده‌اند؛ آن‌ها هرگز تحمل هیچ گونه موفقیتی از جانب کشورمان را نداشته و ندارند و به همین دلیل، با هر پیروزی، شدیداً واکنش نشان داده و خشم خود را به نوعی ابراز کرده‌اند.

در این هفته عملیات شجاعانه و موفقیت آمیز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در غرب کشور و انهدام باند داعشی که برای خرابکاری وارد ایران شده بودند، باز هم همانند خاری در چشم رادیو فردا و اربابانش فرو رفت و آن‌ها را وادار کرد تا با واکنش‌هایی بچگانه، خشم خود را علنی کنند.

این رسانه صهیونیستی - آمریکایی در گزارشی که به این موضوع اختصاص داد، نوشته است: «سپاه پاسداران روز شنبه از درگیری با "یک گروه تروریستی" که از آنها به عنوان اعضای گروه داعش یاد شده، در مرزهای غربی ایران خبر داد. ساعتی بعد خبرگزاری‌ها به نقل از محمد پاکپور، فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران ایران نوشتند که این درگیری در منطقه بمو از توابع ثلاث باباجانی، هم‌مرز با عراق روی داده و سه تن از نیروهای سپاه هم در این درگیری کشته شده‌اند. آقای پاکپور بدون اشاره به تعداد خیر داده که تعدادی از اعضای این گروه در درگیری با نیروهای سپاه کشته شده‌اند، و افزوده است که ۱۶ تن در این عملیات دستگیر شده‌اند و دو تن دیگر نیز گریخته‌اند که اکنون در محاصره نیروهای سپاه هستند. (به تناقضات متن خبر توجه کنید!) گروه داعش هیچگاه حضور در چنین درگیری‌هایی را تأیید نکرده است.»

البته نکته قابل توجه این گزارش رادیو فردا که ما را برآن داشت تا در ابتدای این شماره از مجله هفتگی به بررسی آن بپردازیم، این جمله کلیدی است که با وقاحت تأکید می‌کند: «تأیید این گزارش از سوی منابع مستقل امکان‌پذیر نیست.»

رادیو فردا در شرایطی گزارشی به این مهمی را غیر قابل تأیید می‌خواند که خبر این عملیات بزرگ توسط فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رسانه‌های رسمی کشورمان بیان شده و انتشار داده شده است.

از طرفی نباید فراموش کرد که این رسانه ضد ایرانی در مسیر دمشنی خود با جمهوری اسلامی و تأمین منافع اربابانش، هر روز، تعداد زیادی گزارش‌هایی منتشر می‌کند که منابع آن نه تنها رسمی نیستند، بلکه مملو از ابهام معرفی می‌شوند.

عناوینی از قبیل "یک شاهد عینی..." یکی از پر کاربردترین منابع ساختگی رادیو فردا در مسیر فعالیت‌های دروغینش بوده و هست و با این وجود، خبری کاملاً رسمی را غیر قابل تأیید معرفی می‌کند.

در این جا باید چند سؤال اساسی را از مدیران این رسانه وابسته به کاخ سفید پرسید؛ سوالاتی از این دست که مگر منابع مستقل رادیو فردا کیستند؟ در چه درجه و مقامی هستند که رادیو فردا آنها را منبع موثق خبر دانسته؟ آیا قرارگاه نجف، دکه پلیس راهور در دارغوزآباد رادیو فردا است که نتوان از عملیاتش مطلع شد و اخبار منتشر شده درباره آن را آنهم از زبان فرمانده سپاه تأیید نشده خواند؟ آیا در عصر ارتباطات که در کسری از ثانیه اخبار پست‌خانه‌های مردم در اقصی نقاط دنیا با فیلم، عکس، اسلوموشن و میلیونها کامنت آن منتشر شده و در دسترس است، مضحک نیست اگر رادیو فردا ادعا کند گزارش این عملیات به تأیید نرسیده؟

البته رادیو فردا به طور کامل از چند و چون عملیات آگاه است. چه بسا از اصل عملیات داعشیهای وحشی هم مطلع بوده و ردیالانه مترصد حمله آنان به یک نقطه حیاتی مانند مجلس، که تا چند روز نانشان در روغن تنش و اغتشاش و نا امنی کشور داغ باشد. اما ناگهان با هوشیاری پاسداران دلاور، تیرش به سنگ خورده و نه تنها به اهداف براندازانه خود نرسیده، که دوستان وی و همکاران داعشی عزیزش دچار تلافیات بسیار هم شده‌اند. عجیب نیست در این شرایط مبهوت از شکست، به هرزه گویی ذلیلانه هم دست بزنند و از عصبانیت اصل ماجرا زیر سؤال ببرند.

دشمن، دشمن است. انتظاری غیر از تهاجم نیست. گاهی با دوشکا در مرز، گاهی با انتشار یک خبر جعلی و غبار آلود کرده فضا برای پنهان کردن واقعیت. اما نکته اینجاست که مگر مخاطب رادیو فردا کیست که به این وضوح و روشنی در معرض این جعلیات قرار می‌گیرد و دم بر نمی‌آورد؟ آیا توان تشخیص دروغ ندارد یا اصولاً خودش عمداً دلش می‌خواهد گول بخورد؟

رادپویی با نام ایران و با تابعیت آمریکا

رسانه صهیونیستی - آمریکایی رادیو فردا همواره تلاش کرده است تا با دلسوزی‌های ظاهری و دوستی‌های خاله خرسه، خود را به عنوان یک رسانه فارسی زبان و ایرانی به مخاطبین معرفی کند؛ هر چند همواره به دلیل تضادی که بین ایرانی بودن با تأمین منافع اربابانش ایجاد می‌شود، چهره واقعی خود را نشان داده و می‌دهد.

در این هفته نیز ما شاهد انتشار گزارشی بودیم که بار دیگر چهره و تابعیت آمریکایی رادیو فردا را به ما نشان داد؛ گزارشی که با پرداختن به درخواست مسئول ایالات متحده در خصوص آزادی فوری و بی قید و شرط دو جاسوس بازداشتی در کشورمان، بر لزوم توجه به این درخواست و عمل به آن تأکید نمود.

رادیو فردا در این گزارش نوشته است: «سخنگوی وزارت خارجه آمریکا از مرخصی باقر نمازی استقبال کرده و در عین حال گفته ایالات متحده خواستار آزادی فوری و کامل همه آمریکایی‌هایی است که "به شکل ناعادلانه" توسط دولت ایران زندانی شده‌اند».

این پافشاری رسانه‌ای مدعی ایرانی بودن بر خواسته‌های ضد ایرانی دولت آمریکا وقتی بیشتر خود را نشان می‌دهد که در کنار بی تفاوتی آشکار رادیو فردا در قبال موضوعات مربوط به ایرانیان در ایالات متحده قرار می‌گیرد.

جالب است بدانید که هم اکنون 60 ایرانی به اتهام‌هایی غیر سیاسی و حتی با ادعاهایی ساختگی نظیر دور زدن تحریم‌های ضد ایرانی در آمریکا زندانی هستند و این رسانه فارسی زبان آمریکایی هرگز از وضعیت ایرانیان زندانی در آمریکا سخنی به میان نیاورده و نه تنها خواستار آزادی آن‌ها نمی‌شود، بلکه به طور کلی این گونه موضوعات را نادیده گرفته و به راحتی از کنارشان عبور می‌کند.

در یکی از تازه‌ترین بی تفاوتی‌های رادیو فردا به ایرانیان در آمریکا می‌توان به قتل همین چند روز پیش جوان ایرانی بیژن قیصر - که مسلح نبود و با شلیک مستقیم پلیس آمریکا به سرش بدون دادگاه و دادرسی در خیابان محاکمه صجری شد اشاره داشت که این رسانه نه تنها پیگیر این موضوع نبوده بلکه به آن اندک واکنشی نشان نداد.

اما باقر نمازی کیست؟

بررسی و مرور پرونده مرموز وی نشان می‌دهد که این متهم شناخته شده و سالخورده، متولد 1315 و دارای مدرک دکترای اقتصاد و تابعیت ایرانی-آمریکایی است.

وی از یک خاندان معروف و شناخته شده است که ردپای آنها از تجارت تریاک با یهودیان و کمپانی‌های انگلیسی در قرن نوزدهم تا ارتباط مستمر با لژهای فراماسونری و نیز همکاری و همراهی مستقیم با رژیم پهلوی در عالی‌ترین سطوح مشاهده می‌شود.

خدمات شایان توجه نامبرده به رژیم پهلوی سبب می‌شود تا در مقطعی به عنوان معاون سازمان برنامه و بودجه و وزارت کشور دولت پهلوی فعالیت کند.

این فرد همزمان با ماجرای مشکوک و دلخراش سینما رکس آبادان استاندار خوزستان بوده و تلاش بسیاری می‌کند تا در چارچوب سیاست‌های اعلامی و همراهی با ساواک از این فرصت برای تخطئه حداکثری چهره انقلابیون بهره برداری کند.

ز مهمترین این موارد می‌توان به تشکیل سازمان مردم نهاد "همیاران غذا" اشاره کرد که بعدها در اعترافات برخی متهمین فتنه 88 نیز به صراحت از نقش این سازمان به ظاهر مردم نهاد در شبکه سازی و سازمان دهی جریان آشوب انگلیسی- امریکایی در ایران پرده برداری شده است.

این موسسه همچنین به شدت در پروژه کاهش جمعیت در ایران فعال بوده است. نمازی در سال 80 با سوءاستفاده از شرایط کشور در دوره اصلاحات به ایران بازگشته و اقدام به ارتباط گیری با برخی افراد و شخصیت‌های مؤثر و همچنین برخی گروه‌های فعال سیاسی و اجتماعی می‌کند.

عضویت و ارتباط گسترده با نهادهای وابسته به سازمان ملل، ارتباط با گری سیک و عضویت در پروژه گلف 2000، ارتباط نزدیک با آلن ایر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، مرکز CIPE و جان سولیوان مدیر موسسه، ارتباط با بنیاد فورد و موسسه نایاک (لابی ایرانیان مقیم آمریکا) نمونه‌ای از دهها فعالیت مستمر و هدف مند این فرد به منظور تحقق اهداف سازمان‌های جاسوسی و لابی‌های سیاسی ضدانقلاب در ایران بوده است.

دستگیری اخیر وی پس از ورود به کشور با هدف کشف لایه‌های پیچیده فساد اقتصادی و اطلاعاتی گسترده شبکه مرتبط با انگلیس و آمریکا در ایران صورت گرفته است"

با این تفاسیر آیا نباید در ایرانی بودن این رسانه شک کرد؟ آیا یک چنین جنایتکاری "به طور ناعادلانه" زندانی شده؟ واقعاً باید چه جرمی مرتکب می‌شد که با زندانی شدنش رادیو فردا احساس ناراحتی نکرده و از دستگاه قضایی ایران شکای و دلخور نمی‌شد؟

(برگرفته از سایت مشرق نیوز)

گزارشات بدون سند برای حمله به حجاب

حجاب همواره یکی از موضوعاتی بوده است که رسانه صهیونیستی – امریکایی رادیو فردا به شکل‌هایی مختلف تلاش کرده تا دشمنی و مخالفت خود را با آن ابراز نماید.

بی‌حجابی به اذعان بسیاری از کارشناسان و متخصصان امور اجتماعی، می‌تواند زمینه ساز بحرانی جدی در همه حوزه‌های اخلاقی برای یک جامعه باشد و کاملاً قابل درک است که چرا رسانه‌های ضد ایرانی تمام توان خود را برای تبلیغ آن به کار می‌گیرد.

در این هفته نیز ما شاهد طی همین مسیر توسط رادیو فردا بوده‌ایم؛ جایی که این بار رفتار غیر قانونی و هنجارشکنانه چند دختر در خیابان انقلاب تهران که کاملاً برنامه ریزی شده و از پیش طراحی شده صورت گرفت، به کل جامعه ایران نسبت داده می‌شود.

البته همانطور که در ابتدای این مجله هفتگی اشاره کردیم که چطور خبر رسمی پیروزی سپاه بر داعش غیر قابل تأیید معرفی شده و در مقابل دروغ‌ها با منابعی مبهم بازتاب داده می‌شوند، در این موضوع نیز ما شاهد انتشار خبر دروغین تجمعات اعتراضی ضد حجاب در نقاط مختلف کشورمان بودیم که بدون هیچ سند و مدرکی توسط رادیو فردا مطرح شده‌اند.

راديو فردا بدون هيچ سندی در گزارش خود می‌نويسد: «حرکتی که يک دختر درخيابان انقلاب با برداشتن روسری خود و آویزان کردن آن بر روی يک چوب آغاز کرد، بر اساس تصاویر منتشره در شبکه‌های اجتماعی به طور وسیع، دستکم شش نفر در تهران و يک نفر در اصفهان با بالا رفتن از پست‌های انتقال برق این حرکت را تکرار کردند.»

اما باید پرسید کدام تصاویر و عکس‌های گسترده؟! اگر به این گستردگی و وسعت این اعتراضات وجود داشته و منعکس شده است، چرا راديو فردا در گزارش خود حتی یکی از آنها را برای سند ادعایش منتشر نمی‌کند؟! چرا رسانه‌ای که برای بازتاب اغتشاشات دروغین در ایران، تصاویری از سال‌ها قبل را مجدداً بازتاب می‌دهد، یا در موارد بسیاری با استفاده از نرم افزارهای مختلفی مانند فوتوشاپ سندسازی می‌کند، اکنون تعداد زیادی تصویر در اختیار داشته اما حتی یکی از آنها را هم مورد استفاده قرار نمی‌دهد؟!

چطور راديو فردا که خود را غول رسانه‌ای می‌داند به یکی از آنها هم نتوانسته دسترسی پیدا کند و سه بار در يک خیر، همان عکس تکراری قبل را منتشر کرده است؟ شاید اسناد منتشر شده در شبکه‌های مجازی نیز مانند شاهدهای عینی‌اش هست که وجود خارجی ندارند؟ فقط هنگام نیاز مانند اجنه بر راديو فردا ظاهر شده مشاهدات عینی‌شان را تقدیم کرده دوباره غیب می‌شوند؟ چرا فکر می‌کند با آن سابقه درخشان در انتشار اخبار جعلی که صدها بار تکذیب شده، باز باید مخاطب به او اعتماد کند و حرف بدون سند و مدرکش را باور کند؟

اینگونه حملات بی اساس علیه حجاب و سوت و کف دشمنان خدا برای آن، اتفاقاً حقانیت آن و تأثیر گذار بودن آن را بیش از پیش نمایان می‌کند. حفظ حجاب در جامعه یعنی امنیت روانی برای مرد و زن، حفظ حریم خانواده. همانطور که رابرت مرداک يهودی به وضوح اذعان کرده و می‌گوید برای براندازی نظام، باید خانواده را از بین برد و ستون خانواده مادر است. اگر زن را از کارکرد اصلی آن دور کنیم، می‌توانیم امیدوار باشیم بر اصل نظام اسلامی غلبه خواهیم کرد. اینگونه تلاش‌های مذبوحانه برای اجباری نشان دادن حجاب و حمله به آن در راستای رسیدن به همان هدف است. خانواده که باشد نقشه‌های دشمن برای نفوذ در لایه‌های اجتماع و از هم گسیختن اتحاد آن ممکن می‌شود. برهنگی زنان که طبعاً پیامدهایی همچون آرایش، عشوہ گری و امثال آن همراه دارد مردان، مخصوصاً جوانان را در حال تحریک دائم قرار می‌دهد، تحریکی که سبب ایجاد هیجان‌های بیمار گونه عصبی و پیدایش امراض روانی می‌گردد. آیا کشوری که قشر جوان و مستعد آن درگیر بیماریهای روحی و روانی ناشی از هرزگی‌های جنسی است، در مسیر رشد و پیشرفت قدم خواهد گذاشت؟

در واقع حمله به حجاب هجوم به پایه‌های نظام اسلامی و تلاش برای براندازی آن است. وگرنه وجود یا عدم وجود صد گرم روسری بر سر زن، آنقدر حیاتی نیست که اینگونه مورد حمله و تهاجم قرار گیرد و برداشتنش نشانه انقلاب باشد.

ادامه اتهام زنی عربی به ایران با تأیید راديو فردا

رسانه صهیونیستی – آمریکایی راديو فردا در نوع فعالیت‌هایش به خوبی و وضوح نشان داده است که نه تنها وابستگی زیادی به اربابان آمریکایی و اسرائیلی خود دارد، بلکه در مسیر دشمنی با ایران همپیمان جدیدی به نام آل سعود را نیز در کنار خود حفظ کرده است و به همین جهت ما هر چند وقت یک بار شاهد این هستیم که راديو فردا تبدیل به بلندگویی برای طرح و بازتاب ادعاهای ضد ایرانی مقامات عربستان سعودی می‌شود.

در این هفته نیز یکی از این موارد با پرداختن راديو فردا به نشست خبری عادل الجبیر، وزیر امور خارجه عربستان سعودی در جریان مجمع جهانی اقتصاد در داووس و پافشاری بر بازتاب ادعاهای ضد ایرانی وی و اتهام زنی‌هایش به کشورمان، صورت گرفت؛ جایی که این رسانه وابسته به کاخ سفید در گزارشی، بی توجه به سابقه و حال فعالیت‌های ضد انسانی آل سعود، انگنبت اتهام را به سمت جمهوری اسلامی گرفته و می‌نويسد: «در خاورمیانه دو دیدگاه و چشم انداز در حال نبرد هستند. چشم انداز روشنایی... در مقابل آن چشم انداز تاریکی را داریم که این چشم انداز فرقه گرایی است، تلاش دارد امپراتوری را احیا کند که

هزاران سال پیش نابود شد، از تروریسم و فرقه گرایی برای دخالت در امور دیگر کشورها استفاده می‌کند تا خواسته‌ها انقلابی و امپریالیستی خود را پیش ببرد حتی با هزینه کردن سلامت مردم این کشور.»

اما باید یادآوری کرد که دو گروه بزرگ تروریستی جهان با نام‌های "القاعده" و "داعش" کاملاً تحت حمایت، نفوذ و هدایت آل سعود هستند و دست‌های آلوده به خون این رژیم و هابی کاملاً قابل درک است.

عادل الجبیر که از عدم حضور مقامات ایرانی در اجلاس داووس استفاده کرده و کاملاً یک سویه اتهاماتی را به کشورمان وارد ساخت که خود و کشورش کاملاً شایسته آن‌ها هستند، علاوه بر ابراز دشمنی با جمهوری اسلامی، تلاش کرد تا کشورهای دیگر را نسبت به ایران بدبین کند تا از همکاری و دوستی با ایران صرف نظر کنند. الحریری در خارج از لبنان چندین میلیارد دلار دارایی داشت که آن‌ها را در نتیجه فعالیت شرکت «سعودی اوجیه» برای دهه‌هایی در طرح‌های بزرگ اقتصادی عربستان به دست آورده بود. به گفته مجتهد، محمد بن سلمان، شرکت سعودی اوجیه را از عوایدش محروم کرد تا از این طریق حریری را مجبور کند که این شرکت را در اختیار شرکت «نمسا» ی بن سلمان قرار دهد ولی نخست وزیر لبنان با این کار مخالفت می‌کند و به همین دلیل این شرکت ورشکست شد.

بن سلمان حریری را به بهانه اینکه می‌خواهد عواید شرکت سعودی اوجیه را به وی پرداخت کند، تشویق کرد که به ریاض سفر کند و فعالیت کامل شرکتش از سر بگیرد؛ به همین دلیل حریری برای آمدن بسیار راغب بود.

به محض ورود وی به ریاض با او کاملاً امنیتی برخورد شد و به زعم بن سلمان، برای اینکه حریری از مصونیت بین‌المللی محروم شود وی را مجبور به استعفا کرد، به امید این که وی در بازداشت مجبور شود از میلیاردها دلار خود صرف نظر کند.

در ادامه این گروگان‌گیری‌ها، عربستان او را تهدید کرده است تا علاوه بر تغییر موضع خود نسبت به ایران، دیگر خواسته‌هایشان را نیز انجام دهد.

ترسی که اسرائیل را فرا گرفته است

رژیم اشغالگر صهیونیستی همواره توسط رادیو فردا و اربابانش به عنوان یک ابرقدرت نظامی در جهان معرفی شده است و تلاش شده تا یک غول غیر قابل شکست از این رژیم به تصویر درآمده و همه جهان از او ترسانده شوند؛ اما ما شاهد بوده‌ایم که بارها و بارها، این غول در برابر غیرت و شجاعت جبهه مقاومت اسلامی به زانو درآمده و به شکست خود اعتراف کرده است.

در این هفته نیز شاهد انتشار گزارشی توسط این رسانه صهیونیستی – آمریکایی بودیم که هرچند به بازتاب تهدیدات ضد ایرانی و لبنانی مقامات اسرائیل اختصاص داشت اما در درون خود ترسی را نشان می‌داد که سر تا پای این رژیم و مسئولینش را در بر گرفته و خواب و خوراک را از آن‌ها گرفته است.

رادیو فردا در بخشی از این گزارش می‌نویسد: «آقای لیبرمن در سخنرانی خود در کنفرانس سالانه موسسه مطالعات امنیت ملی گفت: ارتش لبنان هدف قرار خواهد گرفت و اگر ساکنان شهر تل‌آویو مجبور شوند به پناهگاه بروند تمام بیروت نیز به پناهگاه خواهد رفت. آویگنور لیبرمن گفت گروه حزب‌الله با پیروی کامل از ایران منافع ملی لبنان را فدا کرده است. در نتیجه اگر جنگی در آینده روی دهد تمام لبنان هزینه آن را خواهد پرداخت.»

اما همانطور که می دانید سال‌ها غرب و رسانه‌های تحت امرشان تلاش کردند تا اسرائیل را غولی شکست ناپذیر معرفی کنند؛ در این عرصه نام "گنبد آهنین" به عنوان بزرگترین و پرقدرت‌ترین سپر دفاع موشکی جهان مطرح می‌شود، اما در جنگ‌های سی و سه روزه، حزب الله لبنان نشان داد که این قدرت پوشالی است و با توانایی جبهه مقاومت، فقط پناهگاه‌ها می‌توانند صهیونیست‌ها را از موشک‌های اسلامی در امان نگاه دارند.

در سال 2006 رژیم صهیونیستی با هدف حذف لبنان از معادلات منطقه و تضعیف محور مقاومت از موضع فعال وارد جنگ شد. بی شک آغاز کننده جنگ با برنامه ریزی و احتسابات دقیق عملیات می‌کند، پس در موضعی تدافعی و انفعالی نخواهد بود. رژیم صهیون و آمریکا با یک برنامه ریزی دقیق و حساب شده به بهانه ترور رفیق حریری قصد حمله به لبنان و تصرف سوریه با راه انداختن جنگ‌های دینی در خاک سوریه را داشتند اما به یکباره با پاسخ دندان شکن حزب الله تمام معادلات آنان به هم ریخت. موشک باران اسرائیل توسط حزب الله لبنان درسی فراموش ناشدنی به این ارتش داد تا سالیان متمادی به فکر حمله مجدد به لبنان نیفتد. حالا و بعد از گذشت نه سال هنوز هم این وحشت در دل صهیونیست‌ها هست به گونه‌ای که با تهدیدهای منبعث از ترس، سعی در جلوگیری از جنگ مجدد دارند.

این سخنان از زبان وزیر دفاع اسرائیل به وضوح نشان می‌دهد که این رژیم دچار موضع انفعالی و در نهایت ضعف است. اگر لبنان موشک بیاندازد ماهم جواب خواهیم داد. این ادبیات را مقایسه کنید با ادعاهای مکرر رژیم صهیونیستی در قیل از سال 2006 تا مشخص شود رژیم صهیونیستی در سرایشی سقوط است. نتانیاهو بارها و بارها اعلام کرده بود که سپر دفاعی گنبد آهنین تمام سرزمین‌های اشغالی را از گزند موشک دور نگه می‌دارد.

لیبرمن علت اصلی ذلت دولت جعلی‌اش را هم بیان می‌کند و تهدید لبنان به منظور جدایی از ایران را در دستور کار قرار می‌دهد.

این نوع بیان از اخبار نشان می‌دهد آنقدر اوضاع در سرزمین‌های اشغالی برای اشغالگران وخیم است که رادیوفردها هم دیگر نمی‌تواند با ماله کشی، نقش یران را در شکست‌های اخیر این رژیم نادیده بگیرد.

وقتی کاخ سفید ایرانیان را نمی‌شناسد

دم شناخت مقامات و دولت مردان آمریکایی از مردم ایران یکی از عمده دلایلی بوده است که در برهه‌های زمانی مختلف، شکست‌هایی سنگین را به آنان تحمیل کرده است؛ این شناخت نادرست و ناکافی باعث شده است تا آنان پا به عرصه‌ای ضد ایرانی بگذارند اما در نهایت با پاسخ کوبنده و قاطعانه ملت ایران از صحنه بگریزند.

رسانه صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا در این هفته گزارشی از اظهارات وقیحانه معاون رئیس جمهور آمریکا در نشست ویژه مجلس اسرائیل منتشر کرده است که با طرح ادعاهایی دروغین علیه نظام جمهوری اسلامی، تلاش کرده است تا ضمن ایجاد فاصله و شکاف میان مردم ایران و نظام کشورمان، خود و کشورش را مدافع و دوست دار ملت ایران معرفی کند و طبیعتاً انتظار داشته تا ایرانیان این اراجیف را باور کنند.

رادیو فردا در بخشی از این گزارش نوشته است: «معاون رئیس‌جمهور آمریکا، در نشست ویژه مجلس اسرائیل گفت از این تریبون یک پیام برای مردم ایران دارد؛ روزی که شما از حکومت کنونی حاکم بر کشورتان رهایی یابید، ما دوستان شما خواهیم بود؛ آن روز خواهد رسید. مایک پنس، در این سخنرانی جمهوری اسلامی ایران "رژیم ظالم" و "سرکوب گر" ملت ایران و "بزرگترین تأمین کننده تروریسم"؛ "تروری که به اسرائیل نزدیک شده"، توصیف کرد.»

اعتراضات اخیر عده‌ای در ایران کورسوی امیدی را برای رادیو فردا و اربابان رادیو فردا ایجاد کرده است و به آن‌ها جسارت پهن کردن دام بر سر راه ملت ایران را داده است. اما انگار امریکا صدای مردم ایران را در چهل سال اخیر نشنیدند، صدایی که لبریز از تنفر و انزجار نسبت به امریکا بود، صدای مرگ بر امریکایی که مردم با فریاد و شور و اشتیاق در راهپیمایی‌ها بلند و یک صدا فریاد می‌زدند، انگار هیچکدام از این‌ها به گوش امریکا نرسیده، که حالا با سخنان بیهوده خود می‌خواهد افکار عموم را متزلزل سازد.

مسئله‌ای که ملت غیور ایران به ان اذعان دارند این است که می‌دانند نباید هیچوقت به امریکا اعتماد کنند و قول‌هایی که از سوی دولت امریکا به ایران داده می‌شوند، همه و همه پشت اهداف خود خواهانه و پوچشان لنگر انداخته است. ایران دوباره از یک سوراخ گزیده نمی‌شود و همین نافرمانی‌ها است که امریکا را عصبانی کرده است.

ما در آستانه ورود انقلاب اسلامی به چهل سالگی و جشن سی و نهمین سالگرد پیروزی انقلاب قرار داریم و یقیناً این برهه از زمان، بهترین معیار برای سنجش اعتقاد، اعتماد و علاقه اکثریت غیر قابل انکار ملت ایران به نظام جمهوری اسلامی است.

هر ساله در آستانه این رویداد بزرگ، دشمنان این نظام تمام توان خود را به کار می‌گیرند تا با ادعاها و فضا سازی‌های مختلفشان میان مردم و نظام جمهوری اسلامی فاصله بیاندازند، اما هر سال این مردم ایران هستند که با خلق یک حماسه، بهترین و کوبنده‌ترین پاسخ را به آن‌ها می‌دهند.

قطعاً غرب اگر شناخت درستی از مردم ایران داشت و اگر نیم نگاهی به تاریخ این سرزمین می‌انداخت، می‌دانست که نمی‌تواند با فضا سازی‌های بچگانه، بصیرت آن‌ها را خدشه دار کند و قطعاً در 22 بهمن 1396 نیز همانند سال‌های گذشته، شاهد افزایش اقتدار و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی خواهیم بود؛ اقتداری که حماسه‌ای مردمی آن را تضمین می‌کند.

آنچه در بالا خوانده‌اید، یکصد و هشتاد و سومین شماره از مجله هفتگی رادیو دیروز است که همانند هفته‌های پیشین با عنوان "رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!" منتشر گردیده و در این شماره به بررسی خلاصه وار بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارشات این رسانه صهیونیستی - آمریکایی در دومین هفته از بهمن ماه 1396 (08 الی 16 بهمن ماه 1396) پرداخته است.